

تقابل واژه‌های «آسیب‌شناسی روانی» و «درمان» در لغت‌نامه‌های زبان فارسی

هدف:

دکتر حسین کاویانی^۱

گروه روانپزشکی و روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز تحقیقات روانپزشکی و روانشناسی

روش:

مهرانگیز پورناصح

مرکز مشاوره چالش مهر

دکتر ارسلان گل‌فام

گروه زبانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس

نتیجه‌گیری:

یافته‌ها:

مقدمه

فرهنگ (لغت‌نامه) مجموعه‌ای سامان‌مند از عناصر کلامی یک قوم، ملت یا جامعه در دوره زمانی معین است؛ عناصری که برای سخن گفتن، نوشتن یا هر دو به کار می‌رود؛ در میان افراد ارتباط ایجاد می‌کند و انتقال تجربه‌ها، احساس‌ها و دریافته‌ها را ممکن می‌سازد.

تا کنون در کشور ما، در زمینه کشف ارتباط فرهنگ و موضوعات روانشناختی تلاش‌های پراکنده‌ای شده که عمدتاً نیز بر تحلیل گفتمان^۲ و روش کیفی مبتنی بوده است. در برخی از این مطالعات، به فرهنگ عموم (عامه) مراجعه شده تا با نگاه به کاربرد آیین‌ها و خرافه‌ها برخورد فرهنگی با موضوع‌هایی نظیر بیماری

روانی و درمان آن بررسی شود. پژوهش در زمینه موجودات خیالی و غیرواقعی مانند آل و ام‌الصبیان یکی از پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است (داویدیان و ساعدی، ۱۳۴۴). کاوش در اساطیر به عنوان عناصر فرهنگی و ارتباط آن با روانشناسی مرضی نیز از جمله این مطالعات است (داویدیان، ۱۳۴۴).

تحقیق و پژوهش در کشورهای مختلف نشان داده است که جنبه‌های روانشناختی ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۸۳). مثلاً مطالعه‌ای که داویدیان، نراقی و فروغان (۱۳۶۵) انجام دادند، نشان داد که بی‌قراری یا آشوب روانی - حرکتی جز در تهران در سایر شهرها نادر و احساس گناه و سرزنش خود در تهران ۲۰ درصد ولی در شهرهای سوئیس ۶۸ درصد بود. این یافته‌ها و یافته‌های برآمده از تحقیقات گسترده حاکی از تغییرپذیری و تفاوت در بروز علائم در

۱ - نشانی تماس: تهران، خیابان کارگر جنوبی، بیمارستان روزبه، مرکز تحقیقات روانپزشکی و روانشناسی.

E-mail: H.Kaviani@usa.com

روانشناسی ایران کمک کنند تا یک دیدگاه بومی و ملی از روانشناسی به دست آید. هدف این طرح مقایسه واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی و درمان و ارزیابی نسبت خوشایند/ناخوشایندی واژگان، به کارگیری عناصر جسمی^۱/غیرجسمی در ترکیب اینگونه واژگان و رایج/غیررایج بودن آنها بود. نتایج این تحقیق، برای روانشناسان، زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌تواند مفید باشد.

در این مطالعه تلاش شد تا در چهارچوب پژوهش و روش‌شناسی مناسب این اهداف محقق شود: مقایسه واژگان مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در لغت‌نامه‌های معتبر زبان فارسی (معین، عمید و معاصر [فارسی امروز])؛ تعیین گرایش‌های مثبت (خوشایند) و منفی (ناخوشایند) در لغات و واژه‌های استخراج شده؛ تعیین جسمی (تنی) یا غیرجسمی (غیرتنی) بودن واژه‌ها و لغات فارسی (به ویژه در زمینه آسیب‌شناسی)؛ تعیین نسبت رایج/غیررایج بودن لغات و واژه‌های مورد نظر.

روش

مجموعه‌های مورد مطالعه

مجموعه مورد مطالعه این تحقیق، کلیه ورودی‌های درج شده در لغت‌نامه‌های معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) بود. این سه لغت‌نامه که در سه مقطع زمانی تقریباً جداگانه در طی تاریخ ۷۰ ساله گذشته گردآوری و منتشر شده است، با تأیید نظر اساتید زبان‌شناسی به گردونه بررسی وارد شدند. بنابراین احتمالاً بر اساس آن می‌توان فرضیه تحول تاریخی واژگان را رد یا تأیید کرد.

۱- فرهنگ معین (معین، ۱۳۸۱): فرهنگ دوجلدی معین که پس از اقتباس از فرهنگ شش جلدی، در سال ۱۳۸۱ شمسی انتشار یافت، یکی از منابع ما در این تحقیق بود. این فرهنگ با توجه به آثار علمی و ادبی مکتوب قدیم و جدید تنظیم شده است. تفاوت این فرهنگ با فرهنگ شش جلدی آوردن لغات اصلی و حذف ترکیبات لغات است. فرهنگ معین حاصل کار سترگ و سیستماتیک مرحوم دکتر محمد معین است که در دهه ۱۳۵۰

کشورها و فرهنگ‌های گوناگون است.

اصطلاح سایکوسوماتیک یا روان‌تنی برای اولین بار به وسیله هینروث^۱ در اول قرن نوزدهم به کار گرفته شد، هر چند از دهه ۱۹۵۰ به بعد توجه غالب روانپزشکان و روانشناسان را به خود جلب کرد (داویدیان، ۱۳۵۷). رشد و توسعه فن‌آوری پزشکی در قرن گذشته (قرن بیستم) و کشفیات این رشته از دانش در زمینه آسیب‌شناسی و زیست-شیمی و ارتباط آن با علل بیماری‌های روانی، جایگاه مبانی زیستی در روانپزشکی را مستحکم‌تر از قبل کرده است. امروزه، با توجه به بیش از نیم قرن پژوهش در این زمینه تقریباً همه درسنامه‌های جامع روانپزشکی به‌طور مفصل به تأثیرات متقابل روان و تن توجه شایسته‌ای نشان می‌دهند؛ به این ترتیب، درمان نیز به دو بخش عمده جسمی و غیرجسمی تقسیم شده است و مراکز معتبر درمانی ترکیب هر دو شیوه را به کار می‌گیرند.

دسته‌ای از مسائل و اختلال‌های روانپزشکی با علایم جسمی بروز می‌کنند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). معمولاً پزشکان با مراجعانی روبه‌رو می‌شوند که از دردهای بدنی شکایت دارند ولی در معاینات و آزمایش‌های آنها هیچ نشانی از آسیب جسمی مشاهده نمی‌شود. احتمالاً در بسیاری از این موارد، اختلال جسمانی‌سازی^۲ مطرح است که با شکایات جسمانی چندگانه عودکننده یا مزمن مشخص می‌شود. شایع‌ترین شکایات در این اختلال، سردرد، تپش قلب، دردهای شکمی و روده‌ای و مشکلات قاعدگی و جنسی است (ولمن، ترجمه فارسی، ۱۳۷۶).

اگر فرهنگ دارای الگوی رفتاری واپس‌ران^۳ باشد، یعنی بیان آشکار احساس و افکار را تشویق نکند، نه تنها علائم به‌صورت جسمانی ابراز می‌شوند، بلکه کلام از اعضای بدن کمک می‌گیرد و مثلاً برای بیان افسردگی، از واژه‌های دل‌گرفتگی و دلسردی و برای اضطراب از دست‌پاچگی یا دلهره استفاده می‌کند (کلین‌من^۴ و بایرون^۵، ۱۹۸۵).

به غیر از مطالعه قبلی ما (کاویانی، پورناصح و گل‌فام، ۱۳۸۴)، تاکنون هیچ گزارشی مبنی بر کاوش در مجموعه گسترده واژگان فارسی مرتبط با جنبه‌های مختلف روانشناسی منتشر نشده است. کشفیاتی از این دست می‌توانند به عنوان ابزاری نظری به

1- Heinroth
3- suppressive
5- Byrone

2 - somatization disorder
4- Kleinman
6- somatic

ملاک ارزیابی بود. همچنین واژگان رایج به آن دسته از واژگان گفته می‌شود که در زبان گفتاری و نوشتاری روزمره کاربران یک زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مقوله خوشایند/ناخوشایند به طبقات «خوشایند»، «ناخوشایند» و «خوشایند-ناخوشایند» تقسیم شد. طبقه «خوشایند-ناخوشایند» به آن دسته از واژه‌ها گفته می‌شد که در معنای معادل واجد هر دو مضمون خوشایند و ناخوشایند باشند. مقوله‌های جسمی/غیر جسمی و رایج/غیر رایج به صورت دو گانه طبقه‌بندی شدند. در انتها یک زبان‌شناس، واژه‌ها و لغات استخراجی و نظر نهایی داوران (روانشناسان) را واری می‌کرد و چنانچه به لحاظ زبانشناختی اشکال یا نکته‌ای وجود داشت، به تیم سه نفره ارزیاب بازخورد می‌داد. در پایان، ارزیابی بر اساس نظر زبانشناس اصلاح شد. تیم روانشناسان شامل یک دکتر روانشناسی بالینی، یک دکتر روانشناسی عمومی و یک کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی بود. زبان‌شناس طرح دکترای زبانشناسی داشت.

در برداشت نهایی، از لغات تخصصی و لاتین موجود در فارسی صرف نظر شد، مگر موارد پُر کاربرد (به وسیله عموم مردم). هم‌چنین در ثبت نهایی معانی مقابل هر ورودی، به معنای مرتبط با ابعاد آسیب‌شناسی و درمان بسنده شد.

بر اساس اعلام منابع مورد نظر، فراوانی کل واژگان سه لغت‌نامه به صورت تخمینی بود. شمارش تصادفی واژه‌ها به وسیله محققان، همین ارقام را با ۰/۵ درصد نوسان نشان داد.

در زیر، نمونه‌هایی از واژگان استخراجی و مقوله‌بندی‌های آنها آمده است:

غرنگ/ yarang [=غرن] (۱). صدای خرخری که به سبب گریه یا فشردن گلو در حلق پدید آمد. [آسیب‌شناسی، ناخوشایند، غیر جسمی، غیر رایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

فرسوده/ far-sūda(-e): پایمال گردیده. آزار رسیده، آزرده. [آسیب‌شناسی، خوشایند، غیر جسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

کله‌خرابی/ kalla(-e)-xarāb-Ī: [ف.ع.] (حامص). تهی مغزی، بیخردی، عصبانیت، تند مزاجی. [آسیب‌شناسی، ناخوشایند،

(شمسی) در اختیار فرهنگ‌دوستان این سرزمین قرار گرفت. فرهنگ دوجلدی معین قریب ۴۳۰۰۰ واژه را دربرمی‌گیرد.

۲- فرهنگ فارسی عمید (عمید، ۱۳۸۱): لغت‌نامه یک جلدی عمید، چاپ بیست و سوم، یکی دیگر از منابع ما در این تحقیق بود. این فرهنگ شامل واژه‌های فارسی، لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی است. این فرهنگ یک جلدی از فرهنگ ده جلدی عمید اقتباس شده است که از فرهنگ نو و فرهنگ جیبی عمید متفاوت است. در واقع در فرهنگ یک جلدی ترکیبات لغات فرهنگ ده جلدی حذف شده است. این فرهنگ در شکل ابتدایی خود تحت عنوان فرهنگ نو در سال ۱۳۰۸ شمسی به چاپ رسید و قریب ۵۰ سال کار مداوم نویسنده آن را به صورت فرهنگ عمید در آورد و در سال ۱۳۵۸ منتشر گردید. فرهنگ عمید یک جلدی قریب ۳۹۰۰۰ واژه دارد.

۳- فرهنگ معاصر (فارسی امروز) (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۱): این فرهنگ دربرگیرنده لغات، واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگی عمومی در زبان فارسی است. این فرهنگ ۵۰۰۰۰ واژه دارد و به جای پرداختن به متون قدیم، با رویکرد جمع‌آوری و ارائه لغات و اصطلاحات در زبان مردم معاصر (فارسی امروز) کار فرهنگ نویسی را انجام داده است.

جمع‌آوری اطلاعات

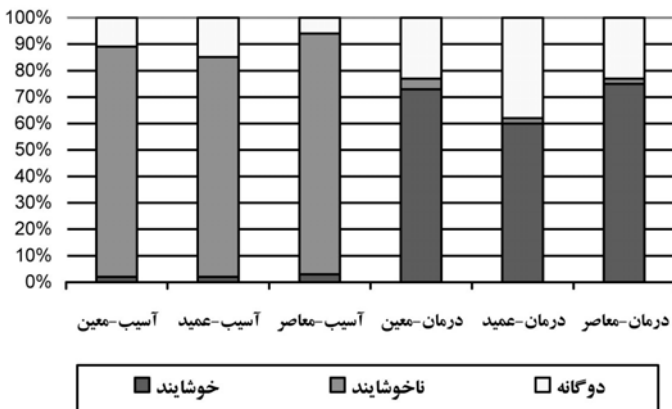
در این تحقیق کیفی، از نظر تخصصی سه روانشناس به عنوان معیار سنجش و ارزیابی واژه‌ها و لغات (با توجه به اهداف تعیین شده تحقیق) استفاده گردید. این سه روانشناس به‌طور جداگانه واژه‌ها و لغات لغت‌نامه‌ها را بررسی و پس از جداسازی واژه‌هایی که به حیطه‌های آسیب‌شناسی روانی و درمانی مربوط می‌شدند، نظر کیفی^۱ و توصیفی^۲ خود را به صورت خوشایند/ناخوشایند، جسمی/غیر جسمی و رایج/غیر رایج ثبت کردند. در واقع، واژه‌ها و لغات جسمی آن دسته از واژه‌ها و لغات هستند که نام عضوی از بدن را در ترکیب خود دارند و واژه‌ها و لغات غیر جسمی، نام هیچ عضوی از بدن در آنها به کار نرفته است. زمینه قضاوت داوران معنی معادل هر واژه بود. در انتها اجماع از طریق بحث و اذعان به دست آمد و در صورت عدم توافق، حداقل دو رأی از سه رأی

جدول ۲- فراوانی واژه‌های رایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه و نسبت آنها به کل واژه‌ها (×۱۰۰)

فرهنگ‌ها	کل واژه‌ها	آسیب‌شناسی فراوانی (نسبت)	درمان فراوانی (نسبت)
معین	۴۳۰۰۰	۸۷۷ (۲/۰۴)	۲۴۰ (۰/۵۶)
عمید	۳۹۰۰۰	۵۴۸ (۱/۴۱)	۳۳۷ (۰/۸۶)
معاصر	۵۰۰۰۰	۷۹۹ (۱/۶۰)	۲۳۳ (۰/۴۷)
مجموع	۱۳۲۰۰۰	۲۲۲۴ (۱/۶۹)	۸۱۰ (۰/۶۱)

مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در فرهنگ‌های سه‌گانه تفاوت معنی‌داری را نشان داد ($\chi^2 = 259/07, p < 0/001$). همچنین، مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بود ($\chi^2 = 107/66, p < 0/001$). آن‌گونه که از محتوای جدول ۱ برمی‌آید، نسبت واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر کاهش می‌یابد.

از آن‌رو که یکی از سؤال‌های تحقیق پیرامون رایج/غیررایج بودن واژه‌های این تحقیق است و نیز برای کاوش بیشتر درباره چگونگی توزیع فراوانی متغیرها در زیرمجموعه واژه‌های رایج، این طبقه از واژه‌ها جداسازی و عملیات آماری روی آنها تکرار شد. یافته‌های توصیفی جدول ۲ نشان می‌دهد که نسبت واژه‌های رایج مرتبط با آسیب‌شناسی در لغت‌نامه معین بیشتر از دو لغت‌نامه دیگر است ($\chi^2 = 79/73, p < 0/001$)، اما در واژه‌های رایج مرتبط با درمان گرایش کاهنده‌ای دیده نمی‌شود: نسبت واژه‌های رایج عمید بیشتر از دو لغت‌نامه دیگر است ($\chi^2 = 25/03, p < 0/001$).



شکل ۱- درصد واژه‌های خوشبند و ناخوشبند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

جسمی، رایج] [انتخاب از فرهنگ معاصر)

خیره سر / xiresar-ها/ : صفت. سرکش؛ نافرمان. به همین قیاس: خیره سری. [آسیب‌شناسی، ناخوشبند، جسمی، رایج] [انتخاب از فرهنگ معاصر)
درون‌بینی / darunbini-ها/ : اسم. بررسی اندیشه‌ها و احساس‌های خویش: درون‌نگری. [درمان، خنثا، غیرجسمی، رایج] [دلارام / delaram/: صفت. [ادبی] [۱] مایه آرامش عاطفی. ۲) بسیار گرمی و خوشبند. [درمان، خوشبند، جسمی، رایج]

تحلیل داده‌ها

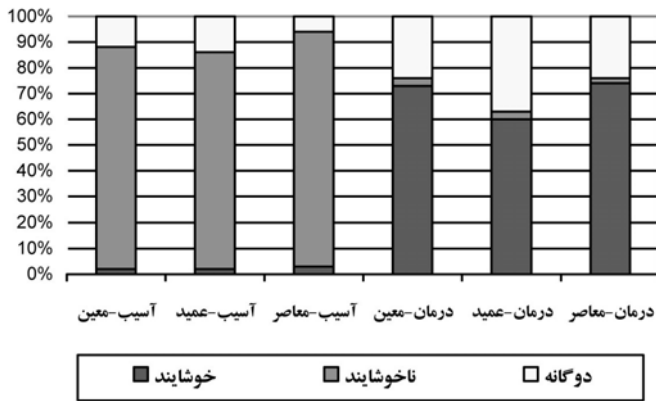
برای عملیات آماری توصیفی و استنباطی، همگی واژه‌ها و ارزیابی‌های کمی و کیفی آنها به بسته آماری SPSS وارد و پس از پالایش خطاهای مربوط به ورود داده‌ها، کلیه فراوانی‌ها، درصدها و مجذور کای، به وسیله همین برنامه آماری محاسبه شد. باید توجه داشت که برای نمونه‌گیری، تمامی واژه‌ها سرشماری شدند. هرچند تفاوت‌ها آشکار بود اما عملیات آماری به‌صورت تکمیلی صورت گرفت.

یافته‌ها

در مجموع در سه لغت‌نامه مورد نظر، ۳۴۱۲ واژه روانشناختی مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و ۱۲۱۳ واژه روانشناختی مرتبط با درمان استخراج شد. جدول ۱ فراوانی واژه‌های آسیب‌شناسی و درمان را در سه فرهنگ معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) و نسبت آنها به کل واژه‌ها (×۱۰۰) در هر فرهنگ را جداگانه و در مجموع نشان می‌دهد. فراوانی واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی حدود سه برابر واژه‌های مرتبط با درمان بود.

جدول ۱- فراوانی واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان و نسبت آنها به کل واژه‌ها (×۱۰۰) در فرهنگ‌های سه‌گانه

فرهنگ‌ها	کل واژه‌ها	آسیب‌شناسی فراوانی (نسبت)	درمان فراوانی (نسبت)
معین	۴۳۰۰۰	۱۵۷۳ (۳/۶۶)	۵۵۰ (۱/۲۷)
عمید	۳۹۰۰۰	۹۹۰ (۲/۵۳)	۴۰۸ (۱/۰۵)
معاصر	۵۰۰۰۰	۸۴۹ (۱/۷۰)	۲۵۵ (۰/۵۱)
مجموع	۱۳۲۰۰۰	۳۴۱۲ (۲/۵۸)	۱۲۱۳ (۰/۹۲)



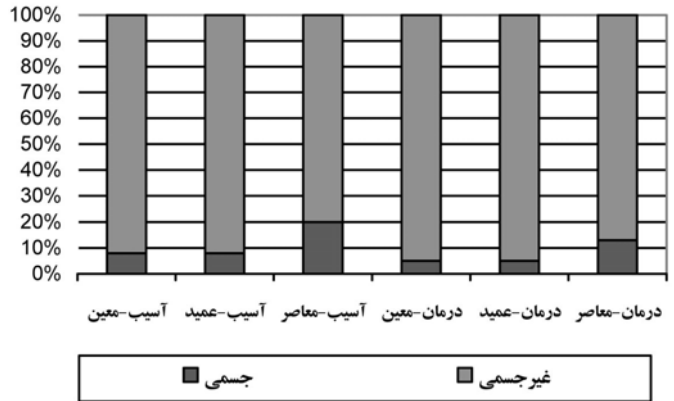
شکل ۴- درصد واژه‌های خوشایند و ناخوشایند رایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

یافته‌های شکل ۳ نشان می‌دهد که حدود ۵۵ درصد واژه‌های آسیب‌شناسی در دو لغت‌نامه معین و عمید و بیش از ۹۰ درصد این گونه واژه‌ها در لغت‌نامه معاصر، رایج طبقه‌بندی شده‌اند. یافته‌ها همچنین گویای آن است که حدود ۶۰ درصد واژه‌های درمان در دو لغت‌نامه معین و عمید و بیش از ۹۰ درصد این نوع واژه‌های در لغت‌نامه معاصر رایج طبقه‌بندی گردیده‌اند.

یافته‌های شکل ۴ که بسیار شبیه یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۱ است، نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی کمتر از واژه‌های ناخوشایند است. عملیات آماری مجذور کای این توصیف را تأیید می‌کند. همچنین شکل ۴ نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با درمان به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های ناخوشایند است. عملیات آماری مجذور کای این توصیف را نیز تأیید می‌کند.



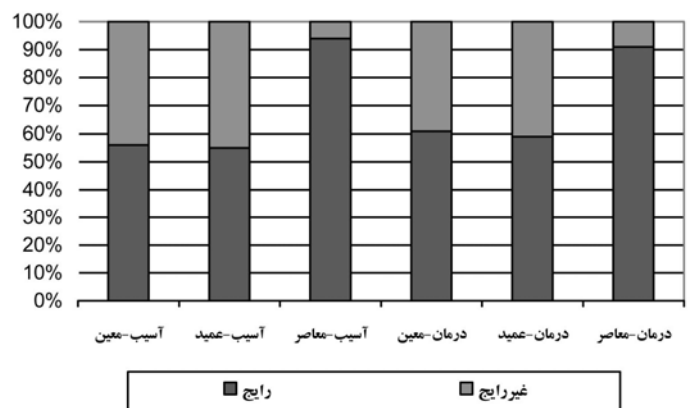
شکل ۵- درصد واژه‌های جسمی و غیر جسمی رایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه



شکل ۲- درصد واژه‌های جسمی و غیر جسمی مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

بر اساس یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۱ و نیز با توجه به عملیات آماری مجذور کای برای واری معنی‌داری یافته‌ها، به‌نظر می‌رسد واژه‌های ناخوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغت‌نامه معین و معاصر به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های خوشایند است؛ این وضعیت در مجموع سه لغت‌نامه نیز دیده می‌شود. این یافته با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی قابل تبیین است.

یافته‌های شکل ۲ به‌طور آشکار و هماهنگ گویای آن است که بیشتر واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغت‌نامه معین و عمید، غیر جسمی‌اند؛ تعداد واژه‌های جسمی در فرهنگ معاصر بیشتر از دو فرهنگ دیگر است. همچنین یافته‌های شکل ۲ به‌طور آشکار و هماهنگ مبین آن است که بیشتر واژه‌های مرتبط با درمان، غیر جسمی می‌باشند.



شکل ۳- درصد واژه‌های رایج و غیر رایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

عمید و معاصر (فارسی امروز) کاهش می‌یابد؛ اگرچه پس از سردند رایج/ غیررایج این روند حفظ نمی‌شود.

همچنین نسبت واژه‌های مرتبط با درمان به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر کاهش می‌یابد. هرچند سردند رایج/ غیررایج حاکی از آن است که نسبت واژه‌های رایج مرتبط با درمان در لغت‌نامه عمید بیشتر از دو لغت‌نامه دیگر است، در مقایسه دو لغت‌نامه معین و عمید (که قدیمی‌ترند) با فرهنگ معاصر (که جدیدتر است) تفاوت بارزی به‌نظر نمی‌رسد.

همچنین یافته‌ها گویای این نکته است که واژه‌های ناخوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغت‌نامه معین و معاصر به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های خوشایند است؛ این وضعیت در مجموع سه لغت‌نامه نیز دیده می‌شود. سردند رایج/ غیررایج واژه‌ها نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی، کمتر از واژه‌های ناخوشایند است. این یافته با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی روانی قابل تبیین است.

این الگو در مورد واژه‌های مرتبط با درمان وارونه است. هم یافته‌های کلی و هم یافته‌های سردند شده (رایج/ غیررایج) نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های خوشایند مرتبط با درمان به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های ناخوشایند است. این یافته با توجه به خوشایندبودن مفهوم درمان قابل تبیین است.

گرایش به کاربرد واژه‌های ناخوشایند در حیطه آسیب‌شناسی روانی را از دیدگاه دیگری هم می‌توان مورد بحث قرار داد. این یافته می‌تواند تلویحاً به این فرض اشاره داشته باشد که احتمالاً تعاملات جامعه ما با احساس‌های ناخوشایند (نظیر غم، ترس، خشم و نفرت) همراه است. حداقل در حیطه احساس‌های افسردگی و اضطراب این یافته با مطالعات مربوط به شیوع در جمعیت عمومی هماهنگ است (کاویانی، احمدی‌بهری، نظری و هرمزی، ۱۳۸۱؛ کاویانی، احمدی‌بهری، دهقان و همکاران، ۱۳۸۱). بعضی از مطالعات نشان داده است که افراد غیربیمار هم از برخی علائم اضطراب و افسردگی رنج می‌برند (کاویانی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۲). کاوش بیشتر در این زمینه و مقایسه این یافته با جوامع دیگر، به

یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۵ نشان می‌دهد که ۱۰ تا ۲۰ درصد واژه‌های رایج مرتبط با آسیب‌شناسی، جسمی هستند. یافته‌های مربوط به واژه‌های درمان بسیار شبیه یافته‌های آسیب‌شناسی روانی در این زمینه می‌باشد. با توجه به عملیات آماری مجذور کای برای واری معنی‌داری یافته‌ها، به نظر می‌رسد واژه‌های خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و نیز درمان در سه لغت‌نامه معین، عمید و معاصر به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های ناخوشایند و واژه‌های دوگانه باشد؛ هرچند در فرهنگ معاصر (فارسی امروز) با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی روانی و محتوای خوشایند درمان قابل تبیین است.

بحث

این پژوهش با هدف مقایسه واژه‌های مرتبط با حوزه‌های آسیب‌شناسی روانی و درمان به لحاظ خوشایندی/ ناخوشایندی، جسمی/ غیرجسمی و رایج/ غیررایج بودن آنها انجام شد. توجیه اولیه ما بر پایه این فرض بود که احتمالاً واژگان گنجینه‌های لغت فارسی می‌توانند آشکارکننده نگرش، تفکر و درون‌مایه ذهنی کاربران آن زبان باشند.

کاوش محققان نشان داد که هیچ گزارشی مبنی بر مطالعه مجموعه گسترده واژگان فارسی برای دستیابی به کم و کیف واژگان روانشناختی وجود ندارد. این پژوهش در ادامه پژوهش قبلی محققان (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۴)، پیرامون واژه‌های هیجانی در فرهنگ‌های سه‌گانه و با به‌کارگیری روش‌شناسی مشابه انجام شد.

حدود ۵۵ درصد واژه‌های آسیب‌شناسی در دو لغت‌نامه معین و عمید، و بیش از ۹۰ درصد این‌گونه واژه‌ها در لغت‌نامه معاصر (فارسی امروز) رایج طبقه‌بندی شدند. همچنین، ۶۰ درصد واژه‌های مرتبط با درمان در دو لغت‌نامه معین و عمید، و بیش از ۹۰ درصد واژه‌های لغت‌نامه معاصر (فارسی امروز)، رایج طبقه‌بندی گردیدند. این یافته با توجه به (۱) روزآمدتر بودن فرهنگ معاصر و (۲) تمرکز فرهنگ معاصر بر متون معاصر، قابل تبیین است.

نتایج نشان می‌دهد که واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی (نسبت به کل واژگان هر لغت‌نامه) به ترتیب در فرهنگ‌های معین،

مطالعات بین فرهنگی نیازمند است.

نتایج این تحقیق، برای روانشناسان، زبانشناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌تواند مفید باشد. رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها نیز می‌توانند با استفاده از نتایج این تحقیق در استراتژی تولید کلامی خود تغییراتی به‌وجود آورند و بدین وسیله دگرگونی احتمالی در نگرش و درون‌مایه‌های ذهنی مخاطبان خود را زمینه‌سازی کنند.

یافته‌های کل و نیز یافته‌های برآمده از سرند داده‌ها آشکارا و هماهنگ گویای این است که بیشتر واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در دو لغت‌نامه معین و عمید، غیرجسمی هستند؛ هرچند واژه‌های جسمی در فرهنگ معاصر (فارسی امروز) بیشتر از دو فرهنگ دیگر است.

طرح پژوهشی حاضر، از طرح‌هایی است که بیشتر با مطالعات کیفی همخوانی دارد و روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد. این زمینه پژوهشی و روش به‌کار گرفته شده، هرچند در رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی رایج است و محققان این رشته‌ها با آن سر و کار دارند، اما به دلیل نو بودن موضوع و زمینه کار ممکن است برای محققان و دانشمندان رشته روانشناسی و روانپزشکی (البته در ایران) غریب جلوه کند و حتی ممکن است آن را با موضوعات تحقیق در رشته‌های پزشکی و احتمالاً روانپزشکی بی‌ارتباط قلمداد کنند.

سپاسگزاری

همه سپاس ما نثار مؤلفان این لغت‌نامه‌ها و همکاران سخت‌کوشان باد که زمینه را برای تلاش ما آماده ساختند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۱۰/۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۱۱/۴

منابع

- داویدیان، ه. (۱۳۴۴). اهمیت بررسی اساطیر ایرانی. *مجله سخن*، ۱۹-۲.
- داویدیان، ه. (۱۳۵۷). مفهوم روان-تنی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه ملی ایران*، ۶، ۱-۲.
- داویدیان، ه. و ساعدی، غ. (۱۳۴۴). آل و ام‌الصبيان. *مجله سخن*، ۱۶، ۱۹-۳۴.
- داویدیان، ه.، نراقی، م. و فروغان، ج. (۱۳۶۵). افسردگی در فرهنگ‌های مختلف. *مجله دانشکده پزشکی*، ۷ و ۱، ۱۹-۱۵.
- صدری‌افشار، غ.، حکمی، ن. و حکمی، ن. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی امروز*. تهران: فرهنگ معاصر (فارسی امروز).
- عمید، ح. (۱۳۸۱). *فرهنگ عمید (چاپ بیست و سوم)*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کاویانی، ح.، احمدی‌ابهری، ع.، دهقان، م.، منصورنیا، م.، خرماهی، م.، قدیرزاده، م.، دادبی، ع.، و چهاردهی، ا. (۱۳۸۱). شیوع اختلال‌های اضطرابی در جمعیت ساکن شهر تهران، اندیشه و رفتار، ۳، ۱۱-۴.
- کاویانی، ح.، احمدی‌ابهری، س. ع.، نظری، ه. و هرمزی، ک. (۱۳۸۱). شیوع اختلال‌های افسردگی در جمعیت شهر تهران ۱۳۷۹. *مجله دانشکده پزشکی*، ۵، ۳۹۹-۳۹۳.
- کاویانی، ح.، پورناصح، م. و گلگام، ا. (۱۳۸۴). تقابل واژه‌های هیجان و شناخت در لغت‌نامه‌های زبان فارسی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۲، ۳۷-۲۹.
- کاویانی، ح. و قاسم‌زاده، ح. (۱۳۸۲). بررسی همایندی مرضی (Comorbidity). همپوشی علائم اختلال‌های افسردگی و اضطراب در جامعه ایران. *مجله دانشکده پزشکی*، ۱۷۱-۱۷۷.
- معین، م. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی (دو جلد)*. تهران: انتشارات آدنا.
- ولمن، ب. (۱۳۷۶). *اختلالات روان‌تنی*. ترجمه ب. نجاریان و همکاران. تهران: انتشارات رشد.

American Psychiatric Association (1994). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*, (4th ed.). Washington, DC.: American Psychiatric Association.

Kleinman, A., & Byron, G. (1985). *Culture and Depression: Studies in the anthropology and cross-cultural psychiatry of*

affect and disorder. Berkeley, CA: University of California Press.

World Health Organization (1983). *Depressive disorders in different cultures*. Geneva: WHO.